شهرآرا
روزنامه شهر امید و زندگی
۲شنبه
۱۵ دی ۱۳۹۹
۲۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۲
شماره ۳۲۹۲
SHAHRARANEWS.IR

... آن قماربازی که بباخت هرچه بودش!

سخنان تازه علی لطیفی، سرمربی فوتبال، باردیگر مسئله سایت‌های شرط‌بندی را در فضای مجازی داغ کرد

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

روایت روز

در یک ماه گذشته مسئله شرط‌بندی و سایت‌های قمار آنلاین دوباره به سرخط خبرها بازگشته است. چرا دوباره؟ زیرا حدود یک سال پیش، با آشکارشدن سلسله متصل و هماهنگ صفحه‌های اینستاگرامی و تبلیغ سایت‌های قمار آنلاین، مجموعه مطالبی درباره سرسلسله این سایت‌ها منتشر شد. فردی به‌نام مونتکیو که سرپرستی و حمایت شاخ‌های مجازی ایرانی ترکیه‌نشین را برعهده دارد و از آنجا که وجود این سایت‌ها در خارج از کشور غیرقانونی نیست، می‌تواند با دست باز و خیال راحت کارش را ادامه دهد. البته همان روزها هم عده‌ای به این مسئله پرداختند که چرا وقتی درگاه‌های پرداخت آنلاین این سایت‌ها در داخل کشور و به‌نام افرادی با نام‌ونشان ایرانی است، پلیس فتا برای مسدودکردن این درگاه‌ها کاری انجام نمی‌دهد؟ البته طبق اعلام پلیس، بسیاری از این سایت‌ها که در یکی‌دو سال گذشته با تعداد زیاد و خیال راحت فعالیت می‌کردند، مسدود شده و برخی افراد فعال دراین‌زمینه دستگیر شده‌اند، اما هنوز هم درگاه پرداخت بعضی سایت‌های قمار از داخل ایران باز است و شارژ حساب کاربری و برداشت از حساب به‌راحتی انجام می‌شود. پس معمای چندانی در کار نیست و نیاز به کارآگاهی خاصی دراین‌باره هم نیست و در سکوتی عجیب، در چند سال گذشته این آدم‌ها کارشان را می‌کردند.

مگر این سایت‌ها چقدر درآمدزایی دارند؟

در یک ماه گذشته، دیگر کار از اینکه سعی کنند باند بودنشان را کتمان کنند، گذشته است و این افراد به‌راحتی این سایت‌ها را تبلیغ می‌کنند و به‌شکل رسمی از ارتباط با هم می‌گویند؛ از شاخ‌های بی‌سروپای مجازی مثل پویان مختاری و داوود هزینه و میلاد حاتمی تا فوتبالیستی ناکام و مطرح مثل پیام صادقیان و البته از ۳هفته پیش، یک خواننده لس‌آنجلسی که نه چندان آدم ناکامی است و نه نیازمند پول. اما مگر این سایت‌ها چقدر درآمدزایی دارند که یک خواننده و بازیگری مثل ریحانه پارسا که تازه در اول راه بازیگری و شهرت است، آبرو و موفقیت آینده‌شان را به بهای تبلیغ این سایت‌ها به حراج می‌گذارند؟ مبلغ دقیقی در دست نیست، اما قطعا پول کلانی این بین ردوبدل می‌شود، پول کلانی که علی لطیفی، پیشکسوت و سرمربی فوتبال در تیم‌های لیگ دسته یک، درباره آن صحبت کرده و حرف‌های او بهانه نوشتن این مطلب شده است. علی لطیفی، سرمربی تیم لیگ دسته یکی چوکای تالش، درباره سایت‌های شرط‌بندی گفته است: «به من گفتند اگر خودت پیشنهاد شرط ما را قبول نکنی، به‌سراغ بازیکنت می‌رویم و اگر بازیکنت قبول نکند، به‌سراغ داور می‌رویم و او را می‌خریم. من شنیده‌ام که روی موضوع‌هایی مانند تعداد گل، کرنر و حتی اوت دستی هم شرط‌بندی می‌کنند، اما به من فقط درباره تعداد گل پیشنهاد دادند. از دست فدراسیون کاری برنمی‌آید، باید نیروهای امنیتی وارد شوند!»

اما ماجرا نه نفوذ زیاد این سایت‌ها در ورزش ما و رابطه‌هایشان با افراد درون ایران است و نه مبالغ درآمد آنان، بحث بر سر گول‌خوردن افرادی است که با خوش‌خیالی و آرزوی درآمدهای چندین میلیونی وارد این سایت‌ها می‌شوند و دست از پا درازتر و با باخت اندک سرمایه‌شان، از این سایت‌ها خارج می‌شوند.

بازنده نه؛ قربانی!

نکته دردناک آن است که برخی از قربانیان این سایت‌ها توهمات عجیب و غریبی درمورد اعتبار و قدرت این افراد دارند. نشان‌به‌نشان نظر کاربری که زیر پستی علیه سایت‌های شرط‌بندی نوشته بود: «میلاد حاتمی با خودرو پلیس ترکیه دور زد و آژیر کشید و استوری گرفت. نهایت ۲روز او را گرفتند، بعد شما زور بزنید و بگویید این‌ها معتبر نیستند.» این جلوه‌گری و تبلیغات توخالی گردانندگان این سایت هادر خصوص قدرت و نفوذشان باعث شده است که عده‌ای مثل این کاربر ساده، این شاخ‌های تبلیغ‌کننده سایت‌های شرط‌بندی را قدرتمند بدانند و با این بها پول‌هایشان را به آتش بکشند. اما ماجرا فقط سایت‌هایی که با این ترفندهای پول‌دارنمایی یا قدرت‌نمایی تبلیغ‌کنندگانشان مشتری جذب می‌کنند، نیست. ماجرا کمی از این فراتر است، بعضی از این سایت‌ها، رسما پولی که مردم شارژ کرده‌اند را پس نمی‌دهند! کاربری در یک توئیت از باختن ۱۸میلیون تومان پول حرف زده بود، درحالی که در دفعات اول، یک میلیونی که شارژ کرده بود، دوبرابر شده و بعد با تصور خام برد راحت، چندین‌بار باخته بود. شاید بپرسید که چگونه این اتفاق افتاده که پاسخش در نظر یکی دیگر از کاربران است که نوشته بود: «دوسه دفعه اول جوری طراحی شده که شما ببرید. از دفعه سوم و چهارم که بیشتر تحریک می‌شید، باخت شروع می‌شه، بعد می‌خواید اصل پول رو برگردونید و...».

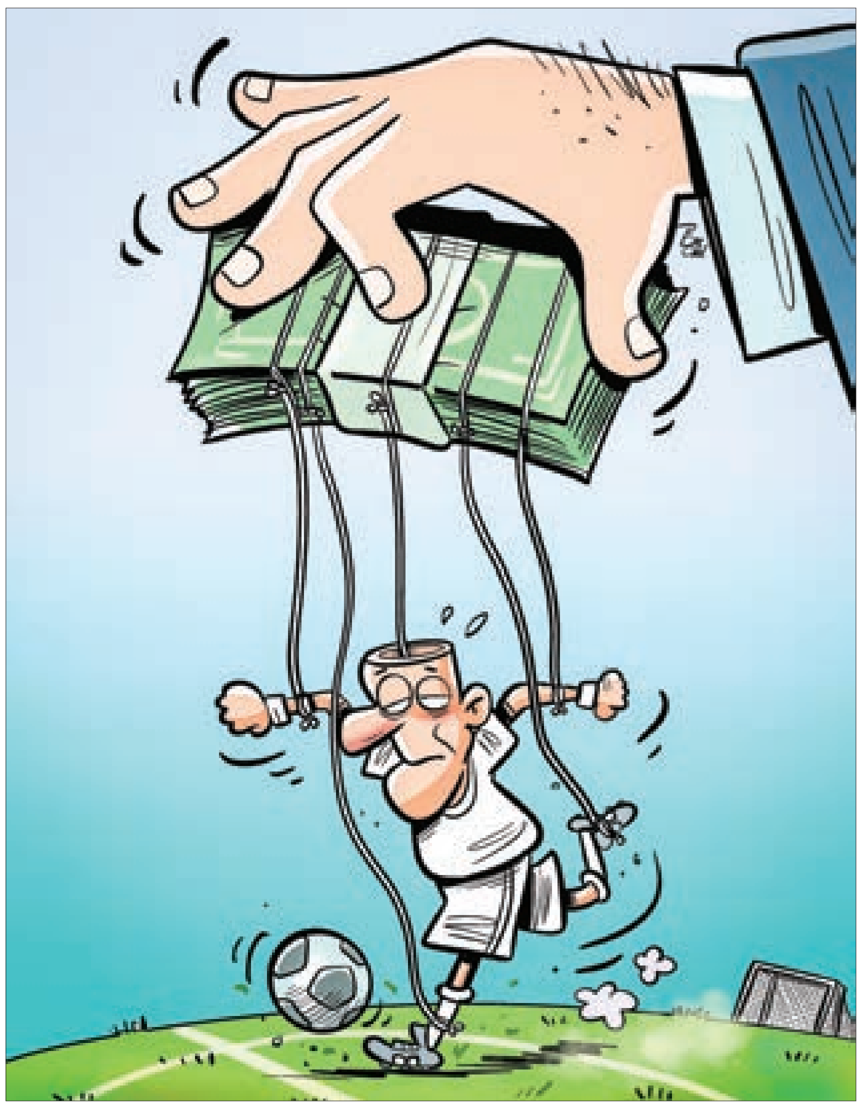
طرح: علیرضا پاکدل | شهرآرا

روزهای تلخ بازیگر «قهوه تلخ»

چند خط درباره ماندانا سوری که این روزها بیش از پیش با بیماری‌اش در جدال است

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

به‌احتمال، بیشتر ما او را با بازی در نقش قیصرالسلطنه در سریال قهوه تلخ مهران مدیری به‌خاطر می‌آوریم. بازیگری که به‌نسبت دیگر بازیگران مجموعه مثل جواد عزتی و مهران مدیری و سیامک انصاری، چهره جدیدتری داشت، کمتر شناخته‌شده بود، اما دست کمی از آن‌ها نداشت. او توانست با همان بیان مستحکم و لحن گیرایی که داشت، در میان انبوه بازیگران طنز باتجربه‌تر از خودش بدرخشد و با «بتی‌جان بتی‌جان» گفتنش جایی را در اذهان برای خودش باز کند. «شوخی کردم» و «عطسه» از دیگر همکاری‌های او با مهران مدیری بود، اما مرتبه‌ای دیگر که نام او بر سر زبان‌ها افتاد، به‌هیچ‌کدام از فعالیت‌های کاری او ربطی نداشت. این‌مرتبه صحبت از ماندانا سوری بود اما به‌دلیل رسانه‌ای‌شدن خبر بیماری‌اش. او به ام‌اس مبتلا بود. او در مصاحبه‌ای که سال گذشته منتشر شد، گفت: «اصلا دوست نداشتم داستان بیماری من رسانه‌ای شود و تمایلی به جلب ترحم و دل‌سوزی ندارم.» بااین‌حال، فضای‌مجازی به خواست او تن نداد و خبر ابتلای ماندانا سوری به ام‌اس دهان‌به‌دهان چرخید. در ادامه فشارهای فزاینده مالی تا جایی پیش رفت که برای کمک به تهیه داروها در آن بازه زمانی پای کمک‌های مردمی هم به میان آمد و رقم چشمگیری برای کمک به او جمع شد.

مهران مدیری هزینه آمپول‌هایم را می‌پردازد

حالا بعد از گذشت مدت‌ها، دوباره خبر رسیده است که ماندانا سوری به‌علت وخیم‌ترشدن حالش در بیمارستان بستری شده است. عکسی هم از او در فضای‌مجازی منتشر شد که حاشیه‌هایی را هم به‌دنبال آورد. این خبر در صفحه اینستاگرامی که با نام خود او فعالیت می‌کند هم با درج لوکیشن بیمارستان سینا منتشر شد و در متن پای آن حرف‌های زیادی با لحنی مملو از خشم نوشته شد: «جا داره در اینجا از تک‌تک دوستانی که درباره ایشون قضاوت می‌کردن و همچنان درحال قضاوت ایشون هستن، دوستانی که دارایی و روح و روان ایشون رو به تاراج بردن تشکر کنیم.» بعد صحبت از بیمه‌نشدن او به میان آمده و اینکه نتوانسته است داروهایی را که نیاز دارد، تأمین کند: «به‌ویژه از دوستان مرکز بیمه هنرمندان (صندوق اعتباری هنر) که یک ساله خانم سوری رو مضحکه کردن و همچنان ایشون رو بیمه نکردن.» در ادامه این پست از این صحبت شده است که: «همین مورد، از دلایلیه که نشد به‌صورت مداوم و غیربیمه‌ای (آزاد) دارو رو تهیه کنن، به‌دلیل مبالغ زیاد اون.» سوری پیش از این در همان مصاحبه‌ای که از او منتشر شد، گفته بود روبه‌روشدن با مرگ فرزندش هم عاملی بوده که به بدترشدن حالش دامن زده و این مهران مدیری است که هزینه تهیه آمپول‌های هفتگی‌اش را تقبل می‌کند.

مسئله داروی ایرانی و خارجی است؟!

انتشار دوباره خبر بیماری ماندانا سوری باعث شد تا خیلی‌ها بیایند و زیر پست‌هایی که از او و بیماری‌اش صحبت شده است، نظر بگذارند و برای او آرزوی سلامتی کنند. بااین‌حال، جدا از این طلب سلامتی، واکنش‌های دیگری هم به چشم می‌خورد. کاربری از بالاوپایین‌های دنیای هنر صحبت کرده بود و اینکه خیلی‌ها در این وادی به دست فراموشی سپرده می‌شوند: «دنیای هنر بی‌رحمه. بعد یه مدت رهات می‌کنن به حال خودت.» کاربر دیگری از تجربه ام‌اس خودش و بحث‌های بیمه‌ای آن صحبت کرده بود: «بنده ۱۲ساله ام‌اس دارم. بیماران ام‌اس به‌صورت رایگان زیر پوشش بیمه خدمات درمانی قرار می‌گیرن و داروهاشون هم رایگانه، مگه اینکه فرد بخواد داروی خارجی مصرف بکنه که باید بخشی از اون رو خودش بپردازه. بهتره ایشون مشکلات شخصیش رو به ام‌اس ربط نده.» و در این میان فرد دیگری همان نکته همیشگی را یادآوری کرده بود که: «اونایی که همین شرایط رو دارن، اما تریبون ندارن چی؟»

Tweets

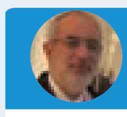

حسام‌الدین آشنا | مشاور رئیس‌جمهور
@hesamodin1

در مواجهه با کرونا به مقطع بسیار حساسی رسیده‌ایم. کوچک‌ترین غفلتی، همه زحمات را به باد می‌دهد. تا واکسیناسیون سراسری فاصله‌داریم، ولی تا دورقمی‌کردن مرگ‌ومیر فاصله‌ای نداریم.

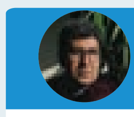

هیوا یوسفی | روزنامه‌نگار
@YouHiwa

فردای روزی که ناصر حجازی از دنیا رفت، این ۲فریم عکس زیرخاکی، روی جلد روزنامه گل و روزنامه تماشا چاپ شد. عکاس هر ۲فریم یک نفر بود: یونس علیشیری. یونس‌خان امروز بعد از ماه‌ها بیماری از دنیا رفت. یادش گرامی.

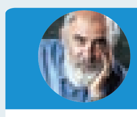

یونس شکرخواه | دکتری ارتباطات
@YounesShokrkhah

ارتباط نه راه پرکردن تنهایی که همراهی برای کشف جهان‌های تازه است.
#ارتباط #مفاهمه

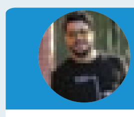

امیرحسین قیاسی | طنزپرداز
@amirbadhand

با یکی صحبت می‌کردم، می‌گفت دچار افسردگی شدم، دیگه هیچی برام انگیزاننده نیست. بهش گفتم ممکنه بحران چهل سالگی باشه. خیلی جدی گفت: «آخه من که ۴۱ سالمه.»!

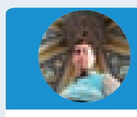

بهنام صمدی | خبرنگار اقتصادی و فناوری اطلاعات
@behnamsamadi_ir

کمیسیون صنعتی‌های مجلس خیلی خوبن، از یک‌طرف می‌گن عرضه خودرو در بورس قیمت رو واقعی می‌کنه، اما به فولاد که می‌رسه قیمت تعیین می‌کنن می‌گن باید زیر ۱۰ هزار باشه. :)
بالأخره سازوکار بورس رو قبول دارید یا ندارید؟

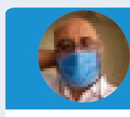

سعید بیابانکی | شاعر
@sbiabanaki47

دیشب به ابر گفتم: از تازه‌ها بخوان.
گفت: مجموعه جدیدم، در دست انتشار است...!

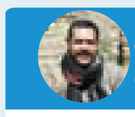

رضا ساکی | مدیرمسئول پایگاه خبری گلونی
@rezasaki

سهراب اگر بود لابد می‌سرود:
ما هیچ، ما زوت

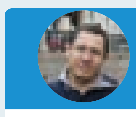

سعید اردکان‌زاده یزدی | مدیرمسئول مجله بازخورد
@saeed_arkan

تجربه شخصی سه ماه اخیر: «پست مطبوعات» از معدود یارانه‌های مفید مطبوعاتی که هزینه ارسال نشریات را ارزان‌تر حساب می‌کرد، بی‌سروصدا حذف شده است. ابتدا گفتند پست مطبوعات فقط در مراکز مناطق پستی ارائه می‌شود. بعد همین هم حذف شد. با این روال، هزینه‌های پستی‌مان دو و نیم برابر شده است.

جدول شماره: ۳۱۱۲

طراح: محمدرضا علیزاده

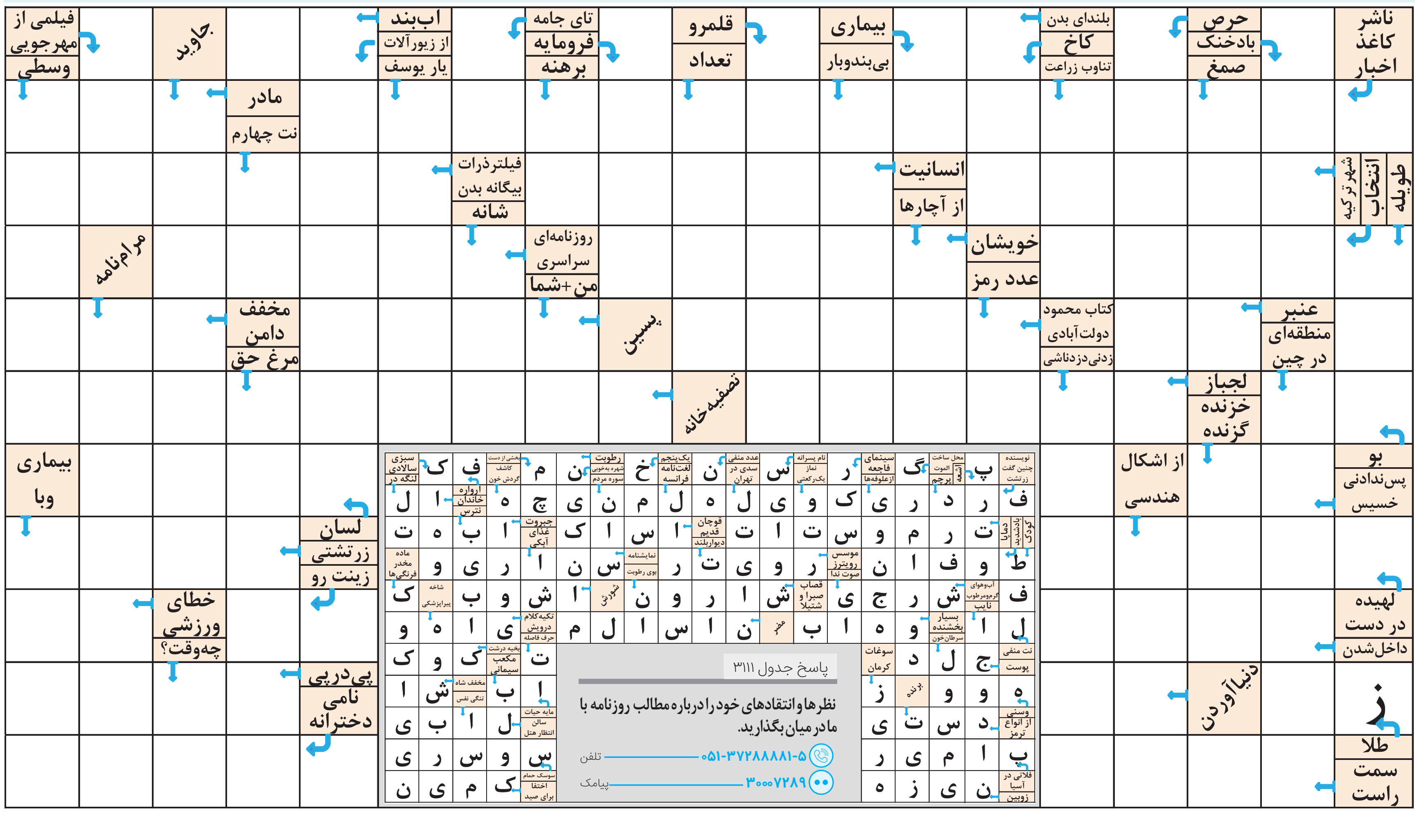

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

سودوکو

شماره ۳

۴		۷	۲		۳		۱	
	۸		۵		۷	۲	۳	۹
۹				۶				
	۱	۵		۲	۹		۸	۴
۳				۷		۵		
۲		۸	۳	۵				
	۴	۹	۷	۸	۲	۱		۳
							۲	
۵		۲		۱	۶	۸	۴	۷

پاسخ شماره ۳

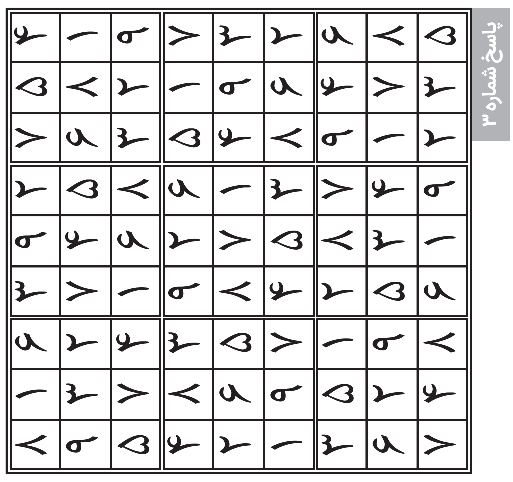

با هم بشنویم
جمعه بی‌شنبه
خواننده: فریدون آسرایی
آهنگساز: علی تاجیک
ترانه سرا: علی ایلیا